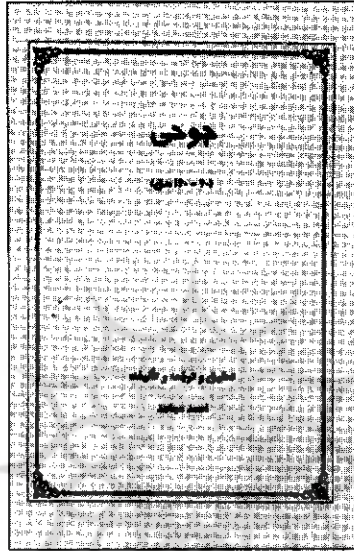


# نقد اجتماعی به زبان مطایبه

محمدجعفری (قنواتی)



— جوحی

— تألیف و ترجمه احمد مجاهد

— انتشارات دانشگاه تهران

— ۱۳۸۳ (چاپ دوم)، ۹۲۰ صفحه، ۱۵۰۰ نسخه، ۶۰۰۰ تومان

می نویسد: «و آخر ختم بر مضاحکی چند و هزلیات کنم تا مصفحان این کتاب را چون از جد آن و حکایت بزرگان ملال گیرند بدان تفرجی کنند و کوتاه نظران که از روح سخن مرحوم باشند به سبب آن مضاحک این کتاب را مطالعه کنند.» (راوندی ۱۳۶۴، ص ۶۳)

در حقیقت آنچه محمدبن علی بن سلیمان الراوندی گفته تأکید بر یکی از مهم ترین کارکردهای لطیفه یعنی مفرح و سرگرم کنندگی آن است که مورد توجه بسیاری از عالمان و عارفان ما نیز بوده است. عبدالرحمان جامی عارف و شاعر بزرگ قرن نهم همین کارکرد از لطیفه و خنده را در یکی از مثنویهای هفت اورنگ به رشته نظم کشیده است:

باغ خندان ز گل خندان است

خنده آئین خردمندان است

خنده هر چندکه از جد دور است

جد پیوسته نه از مقدور است

دل شود رنجه ز جد شام و صباح

می کن اصلاح مزاجش به مزاح

جد بود پا به سفر فرسودن

هزل یک لحظه به راه آسودن

همپای این درک، استنباط دیگری در تاریخ ادبی و اجتماعی ما از

لطیفه وجود دارد که بر جدی بودن مضمون آن تأکید داشته است.

لطیفه یکی از گونه های مهم ادبیات شفاهی است که بیش از هر چیز اعماق فرهنگ هر جامعه ای را بازتاب می دهد و از این رو صبغه اجتماعی آن بسیار برجسته است. شاید بنا به همین دلیل مورد توجه بسیاری از مؤلفان و مصنفان قرار گرفته است. بنا به دلایل مختلف این گونه ادبی به صورت شفاهی و کتبی رواج گسترده ای در ایران داشته است. دکتر علی اصغر حلبی در پژوهش ارزشمند خود به بیش از ۲۵۰ واژه و اصطلاح که ناظر بر مفهوم طنز، هزل و مطایبه در ادب فارسی است اشاره کرده است. (حلبی، ۱۳۷۷: ۱۸)

بررسی اجمالی تاریخ ادبیات فارسی این نکته را روشن می کند که کمتر شاعر و ادیبی وجود داشته که به این گونه ملیح و طنزآمیز توجه نکرده باشد. سوزنی سمرقندی، سنایی غزنوی، انوری، عطار، مولوی، سعدی، عبید زاکانی، جامی، بوسحاق اطعمه و فخرالدین علی صفی اندکی از بی شمار ادیبان ایرانی هستند که خامه سحرانگیز خویش را در این زمینه به خدمت گرفته اند. برخی از آنها مانند مولانا فخرالدین علی صفی لطیفه های رایج دوره خود را گردآوری کرده اند.

اقبال عامه و اهل نظر به گونه ای بوده که بسیاری از نویسندگان حتی در کتابهای جدی و پژوهشی خود گوشه چشمی به این موضوع داشته اند. فی المثل مؤلف کتاب راحه الصدور و آیه السرور، که کتابی در تاریخ آل سلجوق است، در مقدمه کتاب خود پس از شرح بابهای مختلف کتاب،

چنانکه سنایی گفته است:

هزل من هزل نیست تعلیم است

بیت من بیت نیست اقلیم است

گرچه با هزل جد بیگانه است

هزل و جدم هم از یکی خانه است

در میان شاعران عارف شاید نتوان کسی را مانند مولوی سراغ گرفت که بر مضامین جدی در لطایف و حکایات هزل آمیز تأکید کرده باشد. زیرا به نظر او از هرسختی در جای خود می‌توان پندی گرفت و رازی بیان کرد. مولوی «باطن بین» کشور سخن است و از هزلی تند و حتی رکیک نکته‌ای والا و درخور هر دانا و پارسا بیرون می‌کشد (حلبی ۱۳۷۷:۷۰۱) خود او گفته است:

هزل تعلیم است آن را جد شنو

تو مشو بر ظاهر هزلش گرو

هر جدی هزل است پیش هازلان

هزلها جد است پیش عاقلان

بر اساس چنین تفکری، طنز، هزل و خنده حربه مهمی در مبارزات اجتماعی محسوب می‌شود و آنچه مورد طنز واقع می‌شود برای سالیان دراز می‌تواند در اذهان مردمان باقی بماند و به قول فردوسی:

بماند هجا تا قیامت بجا

در ادبیات هزار ساله ما، مانند سایر جوامع، برخی شخصیت‌های تاریخی و افسانه‌ای وجود داشته‌اند که با استناد به آنها لطیفه‌ها و مطایبه‌ها بازگو می‌شده است. جوحی و بهلول معروف‌ترین این شخصیت‌ها هستند. جوحی یا جحاشخصیتی مغفل، حيله گر، مکار، زیرک، مصلحت اندیش، ساده لوح و در برخی موارد عیار است که در میان سرزمینهای

وسعی از فرا رودان تا ایران و ترکیه و خاورمیانه عربی معروف است. این شخصیت در موارد فراوان پناهگاهی برای مردم عادی و نیز اهل فرهنگ بوده است که بتوانند در زیر نام او ظلم، ستم، فساد، دورویی، ارتشا و دهها هنجار و ناهنجار دیگر را مورد نقد قرار دهند.

به رغم اهمیت این شخصیت در ادبیات شفاهی و تألیفی ما، تاکنون تحقیقی حتی مختصر نیز درباره آن به زبان فارسی صورت نگرفته بود. اگر از چند مطلب کوتاه که دکتر فریدون وهمن، دکتر محمدجعفر محبوب و منوچهر محبوبی در این باره نوشته‌اند صرف نظر کنیم، باید گفت مطلب مستقل دیگری تا پیش از این وجود نداشت. در صورتی که در سایر کشورها، به ویژه کشورهای عربی، پژوهشهای گرانقدری در این زمینه صورت گرفته است.

کتاب تحقیقی و پژوهشی گران سنگ جوحی را باید بر بستر چنین زمینه‌ای مورد بررسی قرار داد و آن را پاسخی به این نقیصه محسوب کرد. این کتاب جامع‌ترین پژوهش و تألیفی است که به زبان فارسی درباره یکی از نوادر و شخصیت‌های طنز و هجو حوزه فرهنگ و تمدن اسلامی به چاپ رسیده است. همچنین می‌توان اضافه کرد این کتاب درگستره حوزه فرهنگی مزبور در ردیف آثار طراز اول قرار می‌گیرد به گونه‌ای که می‌توان آن را بر بسیاری از آثاری که در کشورهای عربی درباره جوحی منتشر شده است ترجیح داد.

مؤلف و پژوهشگر کارآشنای این کتاب مستطاب یکی از نوادر روزگار ما بوده که در این زمینه میراث دار هم شهریان بزرگوار خود، مولانا عبید زاکانی و علامه دهخدا، است. دکتر احمد مجاهد که پیش از این با تصحیح کتاب نفیس ترجمه محاضرات الادبا و محاورات الشعرا و البلاغ (تألیف راغب اصفهانی، ترجمه محمدصالح قزوینی) اهلیت خود را در این زمینه به اثبات رسانده بود، با تألیف کتاب حاضر نشان داد که ذوق، فن، دانش و انصاف علمی پیشینیان و معاصران را در زمینه مورد پژوهش یکجا درخود جمع کرده است.

کتاب دارای یک مقدمه و ده بخش پیوسته است. مؤلف در مقدمه جامع خود با استناد به «اقوال محققان عرب» توضیحات مبسوطی درباره جحا و کتاب نوادر ارائه داده است. و در ادامه، بحث مستوفایی درباره جحا، جوحی، خوجا نصرالدین و ملا نصرالدین نموده تا به قول خود او حق به حقدار برسد و صاحبان اصلی هر حکایت (ترک، عرب و فارس) مشخص شود. او در این مقدمه با ارائه دلایل محکم کتاب‌شناسی اثبات می‌کند آنچه ترکان عثمانی به عنوان خوجه نصرالدین رومی و ایرانیها با نام ملا نصرالدین جعل کرده‌اند قدمتی کمتر از یک صد و پنجاه سال دارد و لطیفه‌های منسوب به آنها چیزی به جز لطیفه‌های جوحی و جحا نیستند که از کتابهای مختلف عربی و فارسی اقتباس شده‌اند. «یک محور اصلی کتاب این است که به این آوای ۱۴۵ ساله خاتمه داده شد ... و پرونده ملا نصرالدین مجعول برای همیشه بسته شده است.» (ص سی و وشش) بخش دیگر کتاب که با نثری بسیار شیرین و طنزآمیز تحریر شده است به ضرورت وجود طنز، هزل و مطایبه در جامعه و هم‌چنین موضوع «نقطه چین» در کتابهای چاپی می‌پردازد. در این بخش ابتدا با استناد به آثار ادیبانی مانند جاحظ، ابن قتیبه و عبدالقاهر جرجانی و ... از نظر ادبی

## به رغم گستره وسیع جغرافیایی

حکایت‌های کتاب، خواننده فارسی زبان  
به راحتی با این متن‌ها ارتباط برقرار می‌کند

و از آنها لذت می‌برد.

همین موضوع نشان از

همسانیهای فرهنگی عمیق

میان کشورهای است که

حوزه اصلی فرهنگ و تمدن اسلامی را

تشکیل می‌دهند

به این موضوع می‌پردازد و سپس با استناد به آیات قرآن و احادیث موضوع «نقطه چین» در کتابهای چاپی را مورد تعریف و تنقید قرار می‌دهد و اضافه می‌کند که علما و فقهایی بزرگی مانند ابوسعید ابی، راغب اصفهانی (از علمای بزرگ علوم قرآنی و محب امام علی (ع))، محمدصالح قزوینی (اولین مترجم نهج البلاغه در دوره صفوی)، شیخ بهایی، سید نعمت‌الله جزایری (عالم بزرگ شیعی)، مولوی بلخی و دهها عالم دینی دیگر، حکایتهای مطایبه‌آمیز را بدون «نقطه چین» نقل کرده‌اند. مؤلف پس از ذکر این مقدمات به بزرگان قوم و قم می‌گوید که «هر قدر موانعی در راه چاپ کتابهای مطایبه و طنز ایجاد شود و جوانان را از این سرچشمه‌های زلال و صاف و شیرین فرهنگ ملی و سنتی محروم کنند همان قدر اینها به طرف... آب شور و کدر و متعفن بیگانه می‌روند. پس، از جنبه هویت ملی و مبارزه با فرهنگ ضد ارزشی غرب هم که شده باید کتابهای طنز و مطایبه بومی اجازه چاپ داشته باشند» (ص پنجاه و پنج) متن کتاب شامل ۷۵۹ لطیفه است که بخش اصلی آنها ترجمه‌هایی از منابع عربی است. اما جنبه پژوهشی کتاب در همین قسمتها نیز بسیار نظرگیر است. مجاهد با مراجعه به بسیاری از منابع عربی و فارسی تعلیقات، توضیحات و اضافات فراوانی در ذیل هر لطیفه نقل کرده است. که از جمله می‌توان به نقل روایتهای مشابه اشاره نمود. این تعلیقات و توضیحات کتاب را از حالت ترجمه خارج نموده و آن را به یک پژوهش دراز دامن تبدیل کرده است.

نگارنده در مطالعه چند باره این کتاب ضمن آنکه از آن به قدر کافی محظوظ گردید، نکاتی را یادداشت کرده که ذکر آنها را بی‌فایده نمی‌داند.

۱- از لحاظ لحن و زبان در میان گونه‌های متفاوت ادبی، لطیفه ویژگیهای منحصر به فردی دارد. زیرا در لطیفه مرز میان ادبیات رسمی و غیررسمی ناپدید می‌شود. در این گونه (ژانر) چاره‌ای به جز استفاده از زبان عامیانه (گفتاری) و غیررسمی وجود ندارد. زیرا «لحن جدی را نمی‌توان جایگزین آن کرد وگرنه محتوای خود حقیقتی که در پرتو خنده آشکار شده است درهم شکسته و تحریف می‌شود.» (باختین، ۱۳۷۷: ۴۸۷). به همین دلیل است که وقتی مولوی در قصه‌های مثنوی وارد هزل و طنز می‌شود، زبانی کاملاً گفتاری و به تعبیری «عامیانه» اختیار می‌کند. زیرا طنز و هزل الزامات خاص خود را می‌خواهد که این الزامات در زبان رسمی و جدی جایی ندارند. مقایسه زبان مولوی در قصه‌های طنزآمیز او با سایر قصه‌های نکات بسیار مهمی را در زمینه مسائل اجتماعی زبان روشن می‌کند که خود می‌تواند موضوع پژوهشی مستقل قرار گیرد. طنزنویسان از قدیم‌الایام بر این نکته آگاه بوده‌اند و یکی از ممیزه‌های طنز را به کارگیری زبان گفتاری دانسته‌اند.

لحن و زبان حکایتهای کتاب تناسب و تناظری عمیق با موضوع خود دارد و این یکی از نکات برجسته کتاب است. مؤلف آگاه کتاب در این باره می‌نویسد: «اتفاق همه علمای ادب است که انشای نوادر و طنز و هزل باید با همان لفظ و صورت عامیانه باشد.» (چهل و هفت). سپس به نقل از ابوحنبل توحیدی متوفای حدود ۴۰۰ هـ. اضافه می‌کند: «لطف و شیرینی لطیفه در غیرفصیح بودن آن است که به صورت عامیانه نقل شود» (ص چهل و هفت)

۲- مطالعه این کتاب که حاوی لطایفی از بخش اصلی حوزه فرهنگ و تمدن اسلامی (ایران، ترکیه و کشورهای عربی) است مؤید یکی از مهم‌ترین اصول زیبایی‌شناختی طنز است. لذت از طنز و درک ظرایف و دقایق آن مستلزم آشنایی با زمینه‌ای است که متن در آن خلق شده است. به رغم گستره وسیع جغرافیایی حکایتهای کتاب، خواننده فارسی زبان به راحتی با این متنها ارتباط برقرار می‌کند و از آنها لذت می‌برد. همین موضوع نشان از همسانیهای فرهنگی عمیق میان کشورهای است که حوزه اصلی فرهنگ و تمدن اسلامی را تشکیل می‌دهند و از سوی دیگر دلالت بر تعامل فرهنگی گسترده میان اجزای این حوزه در قرنهای گذشته دارد. قدمت برخی از حکایتهای نشان از حضور برجسته طنز در این حوزه است. مراجعه به منابع کتاب‌شناسی نیز مؤید همین موضوع است. کتاب‌شناس معروف عرب محمد بن اسحاق بن ندیم که در قرن چهارم می‌زیسته در اثر سترگ خود، الفهرست، به چندین مجموعه طنز اشاره کرده است. (ابن الندیم ۱۳۸۱: ۳۱۳)

۳- جوحی که نماد ساده لوحی، زیرکی، حيله‌گری و خنده تمسخر آمیز و طنزآمیز در حوزه فرهنگ ایرانی، ترکی و عربی است همه مسائل زندگی، اعم از رسمی و غیررسمی را مورد نقد قرار می‌دهد و آنها را دست می‌اندازد. آنچه مورد استهزا قرار می‌گیرد، گستره پدیده‌ای را دربرمی‌گیرد به گونه‌ای که کمتر موردی را می‌توان سراغ گرفت که از چشم خالقین لطیفه‌های جوحی مخفی مانده باشد. ستم فئودالی، فرهنگ منحط و اخلاقیاتی که پیرامون دربارهای فئودالی شکل می‌گرفته و جور پادشاهان موضوع بخشی از لطیفه‌های این کتاب است.

## ستم فئودالی، فرهنگ منحط و اخلاقیاتی که پیرامون دربارهای فئودالی شکل می‌گرفته و جور پادشاهان موضوع بخشی از لطیفه‌های این کتاب است

## طنز و هزل الزامات خاص خود را می‌خواهد که این الزامات در زبان رسمی و جدی جایی ندارند

یکی از شخصیت‌های تاریخی که در چند لطیفه مورد هجو جوحی قرار گرفته تیمور لنگ است. آنچه در زیر نقل می‌شود یکی از این نمونه‌هاست:

«روزی تیمور لنگ از جحا پرسید: می‌دانی که خلفای بنی‌عباس هر یک ملقب به لقبی بودند. مثل الموفق بالله، المتوکل علی الله، المعتمد بالله و مانند آن. اگر من بخواهم لقب بگیرم، چه لقبی را بهتر است انتخاب کنم؟ جحا فوراً گفت: لقب نعوذبالله» (۳۳۷)

علاوه بر این موارد، جهالت طیبیان، بی‌شرمی رباخواران، رفتار اهل بنگ و معتادان، متفاضلین، رفتار کسانی که با سوء استفاده از دین مردم زندگی خود را رونق می‌دهند و سرانجام بسیاری از تابوهای جامعه از جمله تابوهای جنسی، سایر موضوعهای لطیفه‌های جوحی را تشکیل می‌دهند.

از این میان، لطیفه‌هایی که به موضوعهای دینی و جنسی می‌پردازند تعداد قابل توجهی را (بیش از ۲۵ درصد) به خود اختصاص داده‌اند. این موضوع مؤید یکی از ابعاد مهم معناشناختی در لطیفه و طنز است که ناظر بر ساخت تابوشکنانه و ضدهنجاری آنها با تأکید بر امور جنسی و تابوهای دینی است. (وکیلی، ۱۳۸۳؛ ۷۳)

نکته مهم در لطیفه‌هایی با مضمون نقد دینی این است که «در آنها هیچ نکته‌ای علیه اصول و فروع و محکمت‌های دینی وجود ندارد. بسیاری از آنها را بزرگان دین در نقد و هجو دین نمایان گفته‌اند. این لطیفه‌ها را می‌توان همانند سخنان حافظ و جامی محسوب کرد که در تمسخر و استهزای صوفی نمایان ایراد کرده‌اند.» (امانف و اسراری، ۱۹۸۰؛ ۱۸۵)

## مؤلف کتاب در ذکر روایت‌های گوناگون

لطیفه‌ها، در موارد فراوان،

راه افراط را پیموده و روایت‌های مشابه

هر لطیفه را به شکل کامل

نقل کرده است

۴- کتاب دارای تعلیقات و فهرست‌های متعددی است که به ویژه برای پژوهشگران و مراجعه‌کنندگان حرفه‌ای بسیار سودمند هستند. «تعلیقات اعلام اشخاص» به شرح حال مختصر افرادی اختصاص دارد که نام آنها در ارتباط با لطایف کتاب ذکر شده است. در «فهرست تهجی موضوع حکایتها»، موضوعهای مختلف لطیفه‌ها با ذکر شماره لطیفه مشخص شده است. امثال حجوی، واژه‌نامه، نامهای کسان، کتابها و جایها از دیگر تعلیقات کتاب هستند که بر جنبه‌های علمی اثر دلالت دارند.

۵- مؤلف کتاب در ذکر روایت‌های گوناگون لطیفه‌ها، در موارد فراوان، راه افراط را پیموده و روایت‌های مشابه هر لطیفه را به شکل کامل نقل کرده است که به چند مورد آن اشاره می‌کنم: در ذیل لطیفه‌های ۶۸، ۷۸، ۸۵، (از بخش نوادر جحا در ادب عرب)، ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۶ (در بخش نوادر الخوجه نصرالدین افندی)، علاوه بر این در بخش «ملانصرالدین» (ساخته ایرانیان) که شامل ۹۸ لطیفه است، به استثنای چند مورد، آنچه در ذیل هر لطیفه به عنوان روایت مشابه ذکر شده کمابیش مانند روایت اصلی است. در این موارد مؤلف می‌توانست مانند سایر لطیفه‌ها فقط به ذکر منابع و مآخذ روایت‌های مشابه اشاره نماید.

۶- برخی مسائل جزئی دیگر در کتاب وجود دارد که با هدف بهبود چاپ‌آئی آن (ان‌شاءالله) ذکر می‌شود:

الف - آنچه از بزرگمهر در ذیل لطیفه ۶۹۵ نقل شده بهتر است در ذیل شماره ۶۸۵ نقل گردد.

ب - لطیفه‌های شماره‌های ۷۳۳ و ۳۶۴ بهتر بود در ذیل هم و تحت یک شماره ذکر شوند هم چنین است شماره‌های ۶۷۳ و ۷۱۸.

آنچه در بندهای پنجم و ششم ذکر شد به طور قطع و یقین از اهمیت و ارج کتاب نمی‌کاهد. بنا به دلایل مختلفی که در سراسر نوشته ذکر شد، تلاش دکتر مجاهد در فراهم آوردن این پژوهش نزد اهل فرهنگ مآجور و مشکور خواهد بود. بی‌تردید بسیاری از خوانندگان جوحی، مانند نگارنده این سطور، منتظر تألیفات دیگری از نویسنده، درباره سایر نوادر هستند.

منابع:

۱- ابن‌الندیم، محمد بن اسحاق. ۱۳۸۱. الفهرست. محمدرضا تجدد. تهران: اساطیر.

۲- باختین، میخائیل، ۱۳۷۷. رابله و تاریخ خنده. محمد جعفر پوینده. درآمدی بر جامعه‌شناسی ادبیات. تهران. نقش جهان: ۴۹۶-۴۷۹.

۳- حلبی، علی اصغر. ۱۳۷۷. طنز و شوخ طبعی در ایران و جهان اسلام. تهران: بهبهانی.

۴- وکیلی، شروین. ۱۳۸۳. پژوهشی درباره شوخی. کتاب ماه علوم اجتماعی، سال هفتم شماره ششم (شماره مسلسل ۷۸).

۵- اسراری، واحد جان و امانف، رجب (۱۹۸۰) ایجادیات ذهنکی خلق تاجیکه دوشنبه: انتشارات معارف (به خط سیرلیک).

۶- محمدبن علی بن سلیمان الراوندی (۱۳۶۴) راحه الصدور و آیه السرور به سعی و تصحیح محمد اقبال (تصحیحات لازم مجتبی مینوی). انتشارات امیرکبیر.